

کتاب «ماهیت و آینده فلسفه» اثر مایکل دامت از سوی انتشارات دانشگاه کلمبیا منتشر شده است. به گزارش مهر، دامت در این اثر به بررسی ارتباط فلسفه با حوزه‌های چون علوم، دین و اخلاق پرداخته است. دامت از فلاسفه برجسته معاصر است و سابقه سالیان متمادی تدریس در دانشگاه‌های آمریکا، آفریقا، آسیا و اروپا به غنای آثار او می‌افزاید. او در این اثر به رابطه فلسفه با زبان و معنا می‌پردازد و دیدگاه خود را درباره تحقیق و بررسی ذهن، زبان و اندیشه ارائه می‌کند.

«رای» گفت «برهنم» را؛ بشنوم داستان دوستان موافق و مثل برادران هم پست، اکنون اگر دست دهد بازگوی مثل دشمنی که بدو فریفته شاید گشت اگرچه کمال ملاحظت و تضرع و تواضع در میان آرد و ظاهر را هر چه ارسته‌تر به خلاف باطن بنماید و دقایق ترمویه (تیزنگ‌سازی) و لطایف تعمیه (کور کردن، اندر آن به کار برد.

برهنم گفت: خردمند به سخن دشمن التفات نکند، هر چند از دشمن دانا تطف و توود (دوستی) بیش بیند، در بدگمانی و خویشتن نگاه‌داشتن، احتیاط زیادت کند و دامن آزو بهتر در چرند، چه اگر غفلتی برزد (بوزرد) و زخمگاهی خالی گذارد، هر آینه کمین دشمن کشنده گردد و پس از فوات فرصت، تدارک پشیمانی دست نگیرد...

گفت‌وگو با دکتر مرتضی زاهدی در باب تعلیم و تربیت اسلامی

اتفاق تربیتی با ۱۲ آینه

علیرضاحمانی

ضرورت ارائه مدل تربیتی اسلام در چیست؟ اصلا صحبت از چیزی به عنوان نظریه تربیتی که مختص اسلام باشد درست است؟

ضرورت صحبت از مدل تربیتی اسلام در همین نکته عیان می‌شود که وجود اندیشه تربیت اسلامی توسط برخی نظریه پردازان از اصل زیرسؤال است چه رسد به تحقق نظام تربیتی آن. به‌عنوان نمونه یکی از نظریه‌پردازان تربیتی در همایشی که چند سال پیش برگزار شد بیان کرد که اگر نظریه تربیتی اسلام موجود است بگوید. این نوعی استفهام انکاری است به معنای آن که چنین چیزی نداریم و قید اسلامی به دنبال تربیت حشو و بی‌معنا است. برای روشن شدن موضوع باید به ریشه تعلیم و تربیت برگردیم. این نکته را مدنظر داشته باشید که تعلیم و تربیت لغز درستی نیست. چون تربیت همان تعلیم است. اگر تعلیم را آن قدر تکرار کنی که چیزی جز شخصیت متربی‌شود معنای تربیت می‌دهد. پس اگر تعلیم نباشد تربیتی در کار نیست. ریشه واژه تعلیم را نیز باید در علم جست. اختلاف از همین نقطه آغاز می‌شود؛ از تعریف علم. اگر علم را دستاورد بشری بدانیم که همین چیزی است که جهان سکولار بهتر می‌دهد.



در زبان انگلیسی به این دانش، Science می‌گویند، منظور از علم در تمام علوم از جمله فلسفه علم و تاریخ علم نیز، مفهوم دانش است و علم به معنای نور بصیرت نیست زیرا علم با این مفهوم یعنی نور و بصیرت از کلید واژه‌های اصلی تعلیم و تربیت اسلامی است.

رسول الله (ص) روزی در مسجد با گروهی برخورد می‌کنند که گرد مردی جمع شده‌اند و او را علامه می‌نامند. گویا او علم انساب یعنی این‌که هر فردی از چه طایفه‌ای است را خوب می‌دانسته. رسول خدا در اینجا تعریفی از علم ارائه می‌دهند که راهگشاست. می‌فرمایند: «العلم ثلاثه: آیه محکمه، سنه قائمه، فریضه عادل» و ادامه می‌دهند: «و ما خلا من فهو فضل».

یعنی علم سه ویژگی دارد. ویژگی اول: آن‌است که یقین آور بوده و به حقیقت هستی متصل باشند، آنچنان که آیات هستی را متجلی کنند. در اینجا نظر پوپر رد می‌شود. او ابطال‌پذیری را طرح می‌کند و می‌گوید علم تا زمانی علم است که خلافش ثابت نشود. اما در حدیث می‌یابیم که تردید و شکاکیت به علم حقیقی یعنی علم اسلامی راهی ندارد، اما در دانش و تخصص راه دارد.

دوم: «سنه قائمه» یعنی، مهندسی فرهنگ، مهندسی نظام و آداب و قوانین از معنای «سنه» هستند. یعنی سنتی که نظام فرهنگی اسلام و

کتاب «نظریه تربیتی اسلام» اثر استاد مرتضی زاهدی از ابتدا قرار بود دو جلدی باشد که جلد اول آن در سال ۱۳۸۵ توسط مؤسسه فرهنگی صابره به چاپ رسید. مدتی پیش خبردار شدیم جلد دوم نیز در شرف چاپ قرار گرفته و این بهانه‌ای برای مصاحبه بااستاد شد.

این مصاحبه گزری است به طرح بحث تعلیم و تربیت اسلامی و کاوشی است بر نظریه ارائه شده از سوی استاد زاهدی.

جامعه اسلامی را برپا می‌کند، از جنس علم است. سوم و بالاخره: «فریضه عادل»ه. یعنی هر نوع علمی که به عدل منتج شود و عدالت گستر باشد. هرگونه قوانین و قواعدی که ساماندهی آن بر اساس عدالت و حرکت و جهت و حقایق هستی باشد. «و ما خلاهن فهو فضل». یعنی غیر از این سه شاخه بقیه دانش‌ها فضل است یعنی تخصص در امور جاری و ابزاری است و علم نیست. از دید اسلام، علم نور و بصیرت و روشن‌بینی و حقیقت‌شناسی است نه اطلاعات.

در سامانه فکری اسلام، اجتهاد و فقه و هر گونه دانش دیگر نیز نوعی تخصص است مانند دانش پزشکی و تجارت و... البته باید خاطر‌نشان کرد که تخصص نیز در اسلام ارزشمند است اما مقام و مفهوم آن با علم تفاوت دارد.

ما در کتاب اول و دوم به طور مفصل توضیح داده‌ایم که علم ۱۲ شاخصه دارد. علم یک دستگاه ۱۲ مرحله‌ای دارد که اگر این دانش‌ها و تخصص‌ها وارد این دستگاه شوند و طبق آئین‌نامه و ضابطه این دستگاه با آنها رفتار شود خروجی آن علم به معنی نور و بصیرت و هدایت خواهد بود.

آیا منظور از دانش و اطلاعاتی که وارد دستگاه ۱۲ مرحله‌ای باید بشوند، دقیقا همان دانش و اطلاعات امروزی است یا عینک خاصی است که نظام آفرینش را طور دیگری می‌بیند؟

هرگونه دانشی که باطل نباشد می‌تواند وارد دستگاه تربیتی اسلام شود؛ اما دانش‌هایی مانند قمار چون باطل هستند، اساسا مردودند.

این تعریفی که از علم ارائه دادید، شاید مورد تردید قرار گیرد. مثلا حدیث

دیگری داریم که «العلم علما؛ علم الابدان و علم الادیان». در اینجا علم پزشکی و علم دین هر کدام علم دانسته شده‌اند و نه دانش



و تخصص.

همانگونه که در ابتدا اشاره شد، لفظ علم در اسلام به دو معنی بکار رفته است، یکی به معنای دانش و تخصص و دوم به مفهوم اصلی‌ترین کلید واژه وحیانی در تعلیم و تربیت اسلامی به مفهوم نور و بصیرت. احادیث مثل «الفقه الفضل العلوم» یا «علم التوحید افضل العلوم» و همین حدیث که مورد بحث قرار گرفت منظور از علم، دانش و تخصص است و در واقع همان فضل است. ولسی‌انگه که مفهوم وحیانی آن را مطرح می‌فرمایند، منظور ایشان نور و بصیرت است.

در جوامع دانشگاهی برخی مراجع به علوم جدید به خاطر رابطه خاصی که بین انسان و طبیعت ایجاد می‌کنند موضع منفی می‌گیرند. آنها این دانش‌ها را ذاتا دارای مشکل می‌دانند و آنها را کنار می‌گذارند. از این دید دانش‌های به وجود آمده از مبنای دکارتی و... با دانش به وجود آمده از مبنای اسلامی متفاوت می‌شوند. آیا این ایجاد مشکل نمی‌کند؟

حرف این افراد از لحاظ تفاوت در منشأ تولید دانش یا کار برد آن یا تعریف آن حرف درستی است اما مدل خاصی که چونکسی بهره‌مندی از این علوم را از دیدگاه اسلام ارائه کند، تحویل نداده‌اند. اما مدل کشف شده از قرآن با شرایط حاضر نیز تطابق خوبی دارد. شرایطی که ایجاد نمی‌کند علوم جدید که با تلاش بشر طی سالیان دراز به دست آمده‌اند، به‌کلی کنار گذاشته شوند.

به کتاب شما برگردیم، زمانی که صحبت از نظام تربیتی می‌شود در واقع باید تفکر سیستمی حاکم باشد. این یکسری الزامات

دارد مثلاً باید بخش‌های گوناگون حکومتی و حتی مردمی درگیر شوند و پا به عرصه عمل گذارند. آیا الزامات این بحث که در جلد دوم آمده در کتاب دیده شده است؟

البته که دیده شده است. اما ابتدا باید تعریف خود را از نظام دقیق کنیم. نظام، به دو معنی است نظام در معنی اول ارائه طراحی و سامانه برنامه‌ریزی یا مدل و الگوی اجرایی است. اما نظام در معنی دوم «نظام تربیتی اسلام» گشته می‌شود که اگر بخواهیم نظریه تربیتی اسلام را محقق کنیم باید این مدل پیشنهادی در نظام تربیتی را پیاده کنیم. اما این‌که فلان سازمان و فلان مدیریت کدام کار را به عهده بگیرد و آن یکی کدام کار دیگر را در تعریف نظام یا مفهوم اول نمی‌آید. بحث در مفهوم دوم نظام در مدیریت اجرایی مطرح می‌شود به مدل سامان یافته‌ای گفته می‌شود که بتوان با آن صورت اجرایی را عینیت بخشید. مثال خوبی وجود دارد. ژان ژاک روسو در کتاب خود که برای جلب نظر عموم، آن را به صورت داستانی نوشته، شخصیتی به نام «امیل» را محور قرار داده است. او امیل را از کودکی و خردسالی به جوانی شایسته و تربیت شده بدل می‌سازد. او در مدل تربیتی خود به سعی متربی و نیز به تفاوت‌های فردی توجه بیشتری نشان می‌دهد. سپس تحت تأثیر مدل او مدیریت‌های غشلمی در اروپا و آمریکا عظیم می‌گیرد که نظام تعلیم و تربیت را از کلاس‌مداری به سمت دانش‌آموزمحوری اصلاح می‌کنند.

توضیحی راجع به ۱۲ مرحله‌ای که نام بردید ارائه دهید. در ضمن چگونه می‌توان اثبات کرد که همین ۱۲ مرحله برای نظام تربیتی اسلامی وجود دارد و اینها جامع هستند؟

با مطالعه جامع و غور در آیات و روایات طی بیست سال به این ۱۲ اصل یا معیار یا شاخص رسیدیم. مثلا برای پیش زمینه تحقیق، تمام تفسیرالمیزان خلاصه شده است. تمام آیات مربوط به خلقت انسان استخراج شده و تمام روایات مربوطه بررسی شده‌اند. دلیل جامعیت این ۱۲ مرحله منطق تقسیم‌بندی این مراحل است که نشان می‌دهد چیزی خارج از اینها نمی‌تواند باشد.

یک‌از ویژگی‌های علوم این است که یقین آور بوده‌وبه حقیقت هستی متصل باشند، آنچنان که آیات هستی رامتجلی کنند. در اینجا نظر پوپر رد می‌شود. او ابطال‌پذیری را طرح می‌کند و می‌گوید علم تا زمانی علم است که خلافش ثابت نشود.

با مطالعه جامع و غور در آیات و روایات طی بیست سال به این ۱۲ اصل یا معیار یا شاخص رسیدیم. مثلا برای پیش زمینه تحقیق، تمام تفسیرالمیزان خلاصه شده است. تمام آیات مربوط به خلقت انسان استخراج شده و تمام روایات مربوطه بررسی شده‌اند. دلیل جامعیت این ۱۲ مرحله منطق تقسیم‌بندی این مراحل است که نشان می‌دهد چیزی خارج از اینها نمی‌تواند باشد.

تلفن گروه اندیشه: ۸۸۷۶۱۲۵۷

ارزانی‌ترین

نخستین نشریه
دکوراسیون داخلی در ایران

شماره ۱۰۷ منتشر شد

۸ سال سابقه انتشار
پرتیراژترین نشریه تخصصی
توزیع در سراسر کشور

بازار گاتی و تبلیقات: ۸۸۵۰۰۶۷
امور مشترکین: ۴-۸۸۳۷۹۰۰۴

دوران نین

ویژه‌نامه‌های استانی ایران زمین
هر روز ضمیمه روزنامه ایران

تأمل

۱. تربیت جسم
جسم باید در اعتدال کامل قرار گیرد. جسم بیمار دریافت درست و خروجی درستی ندارد. در اسلام در مورد «حفظ الصفحه» و ابواب آن روایت زیادی داریم که مترقی‌تر از هر مکتب دیگری است؛ بهداشت غذا، بهداشت لباس، بهداشت محیط، آب، بدن و دهها عنوان دیگر بیاتگر عظمت و گستره توجه اسلام به تربیت جسم است.

۲. تربیت ذهن
ذهن شامل قوه حافظه، خیال، واهمه، تداعی معانی، تحلیل داده‌ها و هوش و ادراکات حسی است. در غرب امثال «مارگارت مید» کارهای زیادی بر روی تربیت ذهن کرده‌اند ولی در اسلام این مرحله از انعقاد نطفه شروع می‌شود و تا مرگ ادامه می‌یابد و آن چنان گسترده و عمیق است که برخی از ابواب آن هنوز در غرب مطرح نشده‌است ولی متأسفانه کمتر کسی روی این استوارات اسلامی کار کرده‌است.

۳. تربیت قلب
بحث‌های بسیاری روی معنای قلب شده است و آنچه قطعی و مسلم نص صریح قرآن در ذکر ویژگی‌های قلب است که قابل انکار نیست و ما آنها را استخراج کردیم تا بتوانیم قلب را در نظام تربیتی اسلام وارد کنیم. قلب صورت جامع روح است. حضرت امیر(ع) می‌فرمایند: «القلب امام البدن کامام الناس فیه» مدیریت و رهبری بدن در قلب قرار دارد، اما در نظام تربیت فعلی توجهی به آن نمی‌شود. امام علی(ع) در خطبه ۸۰۴ نهج‌البلاغه قلب را از عجیب‌ترین وجوه وجود انسان معرفی می‌کند و دلالی هم ذکر می‌کنند که «وقتی امید به قلب راه یابد، انسان به سمت طمع می‌رود و سپس حرص به سرانش می‌آید و انسان را به هلاکت می‌اندازد» در واقع بر

خلاف تصور در روایات قلب رهبر وجود است نه ذهن.

۴. تربیت عقل
در مفهوم عربی از تربیت بر روی ذهن و پرورش آن بسیار کار شده اما از تعریف و برشمردن ویژگی‌ها و تربیت عقل خبری نیست؛ چون در آنجا عقل مترادف ذهن به‌کار رفته است در قرآن و روایات سنگین‌تر از بحث عقل وجود ندارد. در قرآن به قوم لوط خطاب می‌شود: «شما آگاهی داشتید»، «ولکنهم قوم تجهلون»؛ ولی جهالت ورزید. ذهن در تعریف اسلام، هست‌ها و نیست‌ها را ارائه می‌دهد و عقل باید‌ها و نباید‌ها را، ذهن

ارزایی می‌کند و عقل ارزشگذاری (ارزشیابی). عقل اصول ثابت انسانی که هر موضوعی با آن ارزشیابی می‌شود را در خود جای داده است. ذهن براساس خواص پنج‌گانه عمل می‌کند. اما عقل براساس تمایل به حقیقت. اصلا ریشه واژه عقل، «عقال» به معنای کنترل و هدایت است.

عقل در تعریف اسلامی تمرکز وجودش در قلب است و این دو به هم وابسته هستند.

۵. تربیت تفکر
به‌دومعاست و تربیت تفکر در ذهن و تربیت تفکر در عقل؛ عملیات ذهنی و عقلی را تفکر می‌نامند. در

ارزایی می‌کند و عقل ارزشگذاری (ارزشیابی). عقل اصول ثابت انسانی که هر موضوعی با آن ارزشیابی می‌شود را در خود جای داده است. ذهن براساس خواص پنج‌گانه عمل می‌کند. اما عقل براساس تمایل به حقیقت. اصلا ریشه واژه عقل، «عقال» به معنای کنترل و هدایت است.

عقل در تعریف اسلامی تمرکز وجودش در قلب است و این دو به هم وابسته هستند.

۶. تربیت عاطفه
عاطفه در اسلام با احساس متفاوت است ولی امروزه به معنای واحد به کار می‌رود. عاطفه عکس‌العقل در برابر ادراکات عقلی است. این یعنی محبت و عاطفه عقلی غیر از عاطفه

زمینه تربیت تفکر در ذهن کار بسیار شده در حالی که هنوز هم جای کار دارد. اما در خصوص تربیت تفکر عقلی در آموزش و پرورش کاری نشده است و حتی در دانشگاه هم این قسمت مهم نادیده گرفته می‌شود. تربیت تفکر در عقل تعالی دهنده تمدن ماست و از کودکی باید بر روی آن کار کرد و عقل را وادار به عمل و ارزش‌گذاری کرد.

۷. قویت اراده
که منشأ سعی، کنترل، پیگیری، پرهیز، صبر و تقویت است.

۸. تهذیب آگاهی
دانش‌هایی که می‌خواهند به این نظام عرضه شوند اولاً باید هدف خیر داشته و ثانیاً اسلامی باشند تا بتوانند به بصیرت منجر شوند.

۹. تهذیب فضای تعلیم
اگر خانواده یا جامعه یا مدرسه آلوده به انحرافات و رفتارهای خطرناک باشند امکان تولید بصیرت وجود ندارد.

۱۰. تهذیب معلم یا عالم
۱۱. تهذیب متربی یا متعلم
اهداف و حالات متربی باید سالم و پاک باشند. و بالاخره

۱۲. عمل به علم
پرهیز از جهالت بعد از علم که خود بحث گسترده‌ای است و نظریه جهل و تقوی پیش می‌آید.